



خدمت شبانی

بہ قلم  
بہروز صادق خانجانی

## فهرست

مقدمه ..... ۲

### فصل اول

ویژگی‌های یک شبان

شبان کیست؟ ..... ۵

یک توضیح ..... ۱۵

### فصل دوم

وظایف یک شبان

خوراک دادن به گله ..... ۱۹

محافظت از گله ..... ۲۲

هدایت گله به سمت مسیح ..... ۲۴

تقویت ضعیفان در ایمان ..... ۲۵

شفای بیماران روحانی و جسمانی ..... ۲۷

شکسته بندی ..... ۳۰

پس آوردن رانده شدگان ..... ۳۳

طلبیدن گم شدگان ..... ۳۵

جمع کردن گله ..... ۳۷

سخن آخر ..... ۳۹

## مقدمه

خدا را شکر می‌کنم برای اینکه فیض بخشیده، هدایت نمود تا راجع به خدمات پنج‌گانه‌ی کلیسایی مطالبی را به رشته‌ی تحریر در آورم. وقتی که به این دعوت خدا آمین گفتم، روح القدس مرا هدایت کرد تا در میان این خدمات پنج‌گانه، کار خود را از خدمت شبانی شروع کنم. به فیض خدا قصد دارم تا در این شرح مطالبی را در خصوص خدمت بزرگ و ارزشمند شبانی عنوان نمایم تا برادرانی که از جانب خدا به این خدمت دعوت شده‌اند بیشتر و بهتر با وظایف خود آشنا شده، اراده‌ی خدا را در این زمینه درک و به نحو احسن به انجام رسانند.

همان طور که می‌دانید ما در روزهای آخر به سر می‌بریم و اراده‌ی خدا برای ایام کنونی این است که کلیسا وارد آن نظم الهی و آسمانی شود، زیرا در چنین نظمی است که خداوند عمل نموده، جلال خود را ظاهر می‌سازد. کسانی که به این خدمت دعوت شده‌اند باید خوشحال باشند زیرا از طریق آن‌هاست که خدمت خداوند ما عیسی مسیح تجلی می‌یابد. او فرمود: «من شبان نیکو هستم...» (یوحنا ۱۰: ۱۱) پس افرادی هم که به این خدمت دعوت می‌شوند باید به شبانانی نیکو همچون آن نمونه‌ی کامل آسمانی تبدیل شوند.

مدت‌ها بود که بار نوشتن مطالبی در خصوص خدمات‌های پنج‌گانه‌ی کلیسایی را در قلب خود احساس می‌کردم لیکن برای شروع یک عمل کتاب مقدسی نباید فقط بار داشت بلکه باید منتظر الهام و دستور خدا نیز بود و به همین دلیل خدا را شاکرم که این اجازه را صادر فرمود. دعای من این است که خداوند به واسطه‌ی این شرح کتاب مقدسی، برکات عظیمش را بر شما افاضه فرماید، آمین.

بهروز صادق خانجانی

ژانویه ۲۰۰۶، تهران

# فصل اول

ویژگی‌های یک شبان

## شبان کیست؟

یکی از ویژگی‌های مشترک و اساسی در پنج خدمت اصلی کلیسایی، دعوت الهی است. اگر کسی قصد خدمت کردن به خدا را دارد اما برای انجام این مهم فاقد دعوتی آسمانی است، نباید این کار را انجام دهد. با تحصیل در دانشگاه‌های الهیات و آموختن فنون ظاهری یک خدمت نمی‌توان خادم خدا شد بلکه این عمل تنها با دعوتی آسمانی ممکن است. حتماً در قسمت‌های مختلف کتاب مقدس با کلمه «مسح» مواجه شده‌اید. در کتاب مقدس می‌خوانیم تمام کسانی که خدا را خدمت می‌نمودند توسط خود او برای آن عمل مسح شده بودند: داود به عنوان پادشاه اسرائیل مسح شد (اول سموئیل ۱۶: ۱-۱۳)؛ سموئیل برای خدمت خدا به عنوان یک نبی، به نام خوانده شد (اول سموئیل ۱: ۳-۲۱)؛ موسی از جانب خداوند به خدمت دعوت شد (خروج ۳: ۱-۱۲)؛ هارون و پسرانش برای انجام خدمت کهناتی از سوی خدا برگزیده شدند (خروج ۲۸: ۱) و حتی صنعت‌کارانی هم که به ساخت وسایل خیمه‌ی خداوند پرداختند، برای این خدمت از آسمان، به نام فراخوانده شده بودند: «آگاه باش بَصَلَّیْل بن اوری بن حور را از سبط یهودا به نام خوانده‌ام. و او را به روح خدا پر ساخته‌ام، و به حکمت و فهم و معرفت و هر هنری، برای اختراع مخترعات، تا در طلا و نقره و برنج کار کند. و برای تراشیدن سنگ و ترصیع آن و درودگری چوب، تا در هر صنعتی اشتغال نماید. و اینک من، اهُویاب بن اخیسامک را از سبط دان، انباز او ساخته‌ام، و در دل همه‌ی دانادلان حکمت بخشیده‌ام، تا آنچه را به تو امر فرموده‌ام، بسازند» (خروج ۳۱: ۲-۶). این آیات صراحتاً به ما نشان می‌دهد که برای خدمت خدا - حتی در مواردی به ظاهر کوچک - به مسح الهی و پری روح نیازی مبرم داریم. در کلیسا نباید گزینش افراد بر اساس توانایی‌های فردی‌شان باشد زیرا در این صورت احتمال بروز خطا بسیار زیاد است؛ بنابراین فقط باید بر

اساس دعوت و مسح الهی به پیش رفت تا از اشتباه مصون ماند. در کتاب مقدس می‌خوانیم حتی افرادی چون آساف و گروه نوازندگان و سراینندگان، برای خدمتی که انجام می‌دادند دعوتی آسمانی داشتند (اول تواریخ ۱۶: ۴-۶). داود نیز به عنوان نوازنده‌ای مسح شده از جانب خدا با نواختن چنگ، روح بد را از شائول دور می‌نمود (اول سموئیل ۱۶: ۲۳). می‌بینیم که حتی نوازندگان کلیسا نیز باید برای انجام این خدمت مسح شده باشند تا با پرستش‌ها و سرودهایشان روح‌های بد از قوم خدا دور شوند.

هر خادمی باید بیاموزد که تنها در چارچوب دعوت خود حرکت کند و وارد قلمرو خدمتی دیگران نشود زیرا این کار، خسارات جبران ناپذیری به همراه خواهد داشت. در این خصوص نگاهی به ماجرای شائول می‌اندازیم. اگر چه شائول از جانب خدا به پادشاهی اسرائیل برگزیده شده بود اما زمانی که از حدود خود خارج و وارد محدوده‌ی خدمتی سموئیل گردید، توسط خدا تنبیه و از سلطنت خلع شد (اول سموئیل ۱۵). خدای کتاب مقدس تغییر نکرده است؛ او دیروز، امروز و تا ابدالآباد همان است (عبرانیان ۱۳: ۸). برادر برانهام به خادمانی که قصد تقلید از او را داشتند می‌گفت: "سعی نکنید به ستون آتش نزدیک شوید، زیرا اگر چنین کنید هر آینه خواهید مرد!" اگر افرادی از سوی خدا به خدمت دعوت شوند مسلماً نمی‌توانند در تضاد با یکدیگر رفتار کنند، زیرا روح القدس ایشان را در مسیر رسیدن به یک هدف واحد به پیش خواهد برد. شبانی گله‌ی خدا نیز خدمتی است که با دعوت خدا شروع و با هدایت او به پیش می‌رود. هیچ کس بدون دعوت الهی نمی‌تواند خود را شبان بداند.

در رساله‌ی اول پطرس ۲: ۵-۴ درباره‌ی این خدمت چنین می‌خوانیم: «گله‌ی خدا را که در میان شماست بچرانید و نظارت آن را بکنید، نه به زور بلکه به رضامندی و نه بجهت سود قبیح بلکه به رغبت؛ و نه چنانکه بر قسمت‌های خود خداوندی بکنید بلکه بجهت گله نمونه باشید، تا در وقتی که رئیس شبانان ظاهر شود، تاج ناپژمرده‌ی جلال را

بیابید». در این آیات به برخی از ویژگی‌های یک شبان کتاب مقدسی اشاره شده است:  
۱- رسانیدن خوراک مناسب به گله.

۲- نظارت بر گله، به این معنا که گله‌ی خدا را از گرگان درنده و آن شیر غرّان محافظت و به سمت رئیس شبانان هدایت نماید.

۳- نطلبیدن سود قبیح و انجام خدمت با میل و رغبت. خدمت شبانی برای افراد جسمانی بسیار و سوسه کننده است. عده‌ای می‌خواهند در این جایگاه خدمتی قرار گیرند اما از مسئولیت‌ها و وظایف مرتبط با آن بی‌اطلاعند. کلام خدا هشدار می‌دهد که نباید این خدمت را به جهت سود قبیح و منفعت شخصی انجام داد. تنها، کسی که از جانب خدا به خدمت شبانی فراخوانده شده است می‌تواند به تمامی دل و رغبت، خود را وقف خداوند نماید، اما باید همواره مراقب بود تا مبادا مرور زمان، شبان را از مسیر صحیح خدمت خارج کند.

۴- در آیه‌ی ۳ رسول می‌گوید: «و نه چنانکه بر قسمت‌های خود خداوندی بکنید بلکه بجهت گله نمونه باشید». کسانی که روحیه‌ی دیکتاتوری دارند نمی‌توانند گله‌ی خدا را شبانی کنند. چنین افرادی شنوندگان خوبی نیستند و به همین علت نمی‌توانند با اعضا همدردی و همراهی کنند. پطرس رسول، شبان را به نمونه بودن دعوت می‌کند. یقیناً زمانی که او از نمونه بودن سخن می‌گوید، آن شبان نیکو را به یاد می‌آورد که حتی پای‌های شاگردان خود را شست و در محبت متحمل ایشان گردید.

امروزه بسیاری از شبانان خدا را خدمت نمی‌کنند بلکه بر گله‌ی او خداوندی می‌نمایند! حتی بعضی اوقات پای را فراتر نهاده و به قوم خدا القاء می‌کنند که حتی اگر تعالیم مان اشتباه بود باز هم ما را متابعت کنید! آن‌ها فراموش کرده‌اند که شبان اعظم گله در این خصوص گفته است: «...هر که می‌خواهد مقدم باشد مؤخر و غلام همه بُوَد» (مرقس ۹:۳۵). تنها مسیح است که باید استاد، آقا و پیشوا خوانده شود و جمیع ما برادرانیم (متی ۲۳:۸-۱۰). برادر برانهام می‌گفت: «ای کلیسا از شبان خود اطاعت کن و ای شبان،

تو نیز مطیع کلیسا باش. " اگر شبانان به این صحبت برادر برانهام توجه کنند نکات بسیاری را خواهند آموخت.

رسول در خاتمه می‌افزاید که مسیح رئیس شبانان است، البته شبانانی که به معنای واقعی کلمه مسیح را به عنوان نمونه کامل در خدمت خود مد نظر قرار داده‌اند.

ایمانداری که به خدمت شبانی دعوت شده است باید به رساله‌ی تیطس ۱: ۶-۹ نیز توجهی ویژه داشته باشد: «اگر کسی بی ملامت و شوهر یک زن باشد که فرزندان مؤمن دارد، بری از تهمت فجور و تمرد، زیرا که اسقف می‌باید چون وکیل خدا بی ملامت باشد و خود رای یا تند مزاج یا میگسار یا زننده یا طماع سود قبیح نباشد، بلکه مهمان دوست و خیردوست و خرد اندیش و عادل و مقدس و پرهیزکار؛ و متمسک به کلام امین برحسب تعلیمی که یافته تا بتواند به تعلیم صحیح نصیحت کند و مخالفان را توبیخ نماید».

پولس با نوشتن این جملات کلیسا را به سمت شناخت سایر ویژگی‌های یک شبان کتاب مقدسی سوق می‌دهد:

۱- شبان باید بی ملامت باشد.

۲- شبان تنها باید یک زن داشته باشد. فردی که چند زن دارد نمی‌تواند گله‌ی خدا را شبانی کند.

۳- شبان باید فرزندان مؤمن داشته باشد: «زیرا هر گاه کسی نداند که اهل خانه‌ی خود را تدبیر کند، چگونه کلیسای خدا را نگاهبانی می‌نماید؟» (اول تیموتائوس ۳: ۵).

۴- شبان باید بری از تهمت فجور و تمرد باشد: «زیرا که اسقف می‌باید چون وکیل خدا بی ملامت باشد...» (تیطس ۱: ۷).

۵- شبان نباید خودرأی و مستبد باشد. اگر او با افراد قدیمی و البته مسح شده‌ی کلیسا مشورت نکند و خود را با چهار خدمت دیگر هماهنگ نسازد، گله‌ی خدا را وارد بحران خواهد کرد.

۶- شبان نباید تند مزاج باشد زیرا خشم، گناه را تولید می‌کند (یعقوب ۱: ۲۰ و

افسیان ۴:۲۶).

۷- شبان نباید می‌گسار باشد.

۸- شبان نباید طماع سود قبیح باشد زیرا بسیاری از شبانان به خاطر کسب سود قبیح، جایگاه خود را در حضور خدا از دست داده‌اند.

۹- پولس در مقام معلم کلیسا شبانان را به مهمان نوازی و خیردوستی تعلیم می‌دهد. در ترجمه‌ی هزاره‌ی نو «خیردوست» را با عبارت «دوست داشتن نیکویی» می‌یابیم. در این قسمت ضروری است که نکته‌ی ظریفی را به آن دسته از خادمان جوانی که به خدمت شبانی دعوت شده‌اند اما هنوز ازدواج نکرده‌اند، تذکر دهیم: «اگر به خدمت شبانی دعوت شده‌اید باید در پی ازدواج با همسری مهمان نواز باشید، زیرا در غیر این صورت دچار مشکلات عدیده‌ای خواهید شد. یکی از دلایلی که باعث می‌شد تا دختران و پسران کاهنان با یکدیگر ازدواج کنند همین امر بود، چون معمولاً دخترانی که در فضای خدمتی پدرشان رشد کرده بودند بهتر می‌توانستند پسرانی را که قرار بود خدا را خدمت نمایند، یعنی شوهران آینده‌ی خود را درک کنند. کسی که به این خدمت مهم دعوت شده است باید به دنبال همسری خاص برای خود باشد. بهتر است این طور عنوان کنیم که او باید به صورت خاص برای این مسئله دعا کند، زیرا یک شبان پیوسته در حال ملاقات و رفت و آمد با افراد مختلف است و حتی ممکن است شب‌ها دیر به منزل بازگردد. به این دلیل است که او باید همسری همراه و فهیم داشته باشد زیرا در غیر این صورت نه تنها در منزل خود محیطی آرام نخواهد داشت بلکه فرزندانش نیز به درستی تربیت نخواهند شد.»

۱۰- شبان باید خرداندیش باشد. اگر او حکیم و خردمند نباشد ممکن است در تصمیم‌گیری‌هایی که بعضاً رابطه‌ی مستقیمی با سرنوشت افراد دارد دچار اشتباه شود و خسارات جبران ناپذیری به بار آورد. از این رو است که او باید هر روزه برای دریافت حکمت آسمانی در پیشگاه خدای حکیم حاضر شود تا خداوند نیز با فیض و حکمت

بی نظیر خود، او را به سمت تصمیم‌گیری صحیح هدایت نماید.

۱۱- یک شبان باید عادل باشد. این موضوع حائز اهمیت فراوانی است. اگر دقت کنید می‌بینید که پولس پس از خرد اندیشی به عادل بودن اشاره می‌کند زیرا این دو مکمل یکدیگرند. کسی که حکیم نباشد نمی‌تواند عدالت را اجرا نماید. خدا عطای حکمت را به سلیمان بخشید (اول پادشاهان ۱۱:۳-۱۲) و به واسطه‌ی همین حکمت بود که او توانست عدالت را بین دو زنی که بر سر یک نوزاد اختلاف داشتند برقرار نماید (اول پادشاهان ۱۶:۳-۲۸). اگر شبان نتواند با حکمت الهی، عدالت را در میان گله اجرا نماید، کلیسا وارد تشویش خواهد شد. در باب ششم اعمال رسولان می‌خوانیم زمانی که احساس شد در میان بیوه زنان عبرانی و یونانی اختلافی در حال شکل‌گیری است، روح القدس رسولان را هدایت کرد تا کلیسا هفت نفر را برای انجام خدمت روزانه و برطرف کردن حس وجود بی‌عدالتی در میان جماعت انتخاب کند. این هفت نفر لزوماً باید این سه ویژگی را می‌داشتند:

الف) نیک نامی که با بی ملامت بودن هم معنی است. وجود این ویژگی در افراد منتخب باعث می‌شد تا ایمانداران به آن‌ها اعتماد کنند و دیگر سوء ظنی دال بر بی عدالتی به وجود نیاید. افراد نیک نام کسانی‌اند که امتحان خود را به خوبی پس داده و توانسته‌اند اعتماد لازم را در قلب ایمانداران ایجاد نمایند. یقیناً ایمانداران نیز به راحتی می‌توانند با این افراد مشارکت داشته و امانت خود را به دستشان بسپارند. حال تصور کنید که ایمانداران احساس کنند کشیشی مشکل اخلاقی دارد! آیا در این صورت می‌توانند همسران و دختران خود را برای حل و فصل مشکلات‌شان به نزد او بفرستند؟ به همین دلیل است که کلام خدا بر نیک نامی شبان تأکید خاصی دارد.

ب) ویژگی دوم برای انتخاب آن هفت نفر پری روح القدس بود، زیرا پری روح باعث می‌شد تا ایشان توسط خدا هدایت شوند.

ج) سرانجام سومین ویژگی آن افراد، حکمت بود.

وجود این سه خصیصه در افراد منتخب منجر به حرکت رو به رشد کلیسا در محیطی آرام شد تا آنجا که کتاب مقدس شهادت می‌دهد: «و کلام خدا ترقی نمود و عدد شاگردان در اورشلیم بغایت می‌افزود و گروهی عظیم از کهنه مطیع ایمان شدند» (اعمال ۶:۷). به راستی اگر کلیسا در نظم و آرامش الهی حرکت کند خداوند کارهای بزرگی را به انجام خواهد رسانید و حتی بزرگان شهر و کشور را نیز مطیع ایمان خواهد ساخت.

اگر کسی بدون دعوت الهی به شبانی گمارده شود نه تنها باعث بنای جسد مسیح نخواهد شد، بلکه عمل شیطان در او ایجاد و باعث تخریب می‌گردد. عدالت و انصاف باید توسط شبان در کلیسا آشکار گردد. شبانان باید عادل باشند زیرا رئیس ایشان پادشاه عادل است. کلام خدا می‌گوید که ما پادشاهان خواهیم بود و همراه با مسیح بر امت‌ها سلطنت خواهیم نمود. نیک می‌دانیم که اگر پادشاهی عادل نباشد، حکومت ظلم را پرورش خواهد داد. اگر امروز عدالت را در بین خود اجرا نکنیم مسیح نیز هیچ‌گاه سلطنت را به ما نخواهد سپرد.

سال‌ها قبل پس از مشاهده‌ی اختلافی در میان اعضای یک کلیسا، دعا کرده و از خداوند پرسیدم که چطور می‌توان منازعات و اختلافات را حل و فصل کرد و خدا نیز مرا به سمت اعمال رسولان ۳:۶ هدایت نمود و فرمود: "تنها افراد نیک‌نام، پر از روح القدس و حکمت هستند که می‌توانند صلح و آرامش را به کلیسا بازگردانند" زیرا آن‌ها با اعتباری که در میان جماعت دارند قادر به حل اختلافات می‌باشند. اگر برای برطرف کردن سوء تفاهمات و اختلاف نظرها از کسانی استفاده شود که حکمت لازم را ندارند بحران تشدید خواهد شد.

دعا می‌کنم تا خدا مسائلی را که در این بخش مطرح شد برایتان مکشوف نماید، آمین.

مجدداً به رساله‌ی تیطس و بر شمردن ویژگی‌های یک شبان کتاب مقدسی

بازمی‌گردیم:

۱۲- شبان باید مقدس باشد. فرد مقدس کسی است که زندگی خود را برای جلال خدا، جدا نموده و در پاکی ای که منظور نظر اوست زندگی می‌کند.

۱۳- شبان باید پرهیزکار باشد. به قول برادر عزیزمان هایک: "سلیمان حکیم بود اما پرهیزکار نبود و به همین علت لغزش خورد!" حکمت بدون پرهیزکاری، کامل نیست؛ همچنین در رساله‌ی غلاطیان ۵:۲۲ از پرهیزکاری به عنوان یکی از جلوه‌های ثمره‌ی روح القدس یاد می‌شود.

۱۴- آخرین ویژگی بر شمرده شده برای یک شبان در این آیات را در آیه ۹ می‌خوانیم: «و متمسک به کلام امین بر حسب تعلیمی که یافته تا بتواند به تعلیم صحیح نصیحت کند و مخالفان را توبیخ نماید». در این آیه از تمسک به کلام امین و یا بنابر ترجمه‌ی هزاره‌ی نو پایداری بر کلام مطمئن صحبت شده است. پولس می‌گوید که شبانان باید بر اساس تعلیمی که یافته‌اند دیگران را نصیحت کنند. شبان باید با کلام حقیقی خدا آشنا باشد. اگر او از طریق دروس الهیاتی تربیت شود هرگز نخواهد توانست تعلیمی صحیح و کامل را به گله ارائه دهد. ممکن است که به حقیقت نزدیک گردد اما نخواهد توانست با آن هماهنگ شود؛ به همین خاطر است که یک شبان باید تحت تابش آفتاب عدالت یعنی مسیح قرار گیرد تا به آن پختگی لازم در درک مفاهیم کتاب مقدس برسد. یک شبان باید به خوبی با تعالیم مختلف آشنا و بر آنها مسلط باشد زیرا در کلیسا بسیاری از سوالات از شبان پرسیده می‌شود، ضمن اینکه مخالفان انجیل نیز اغلب اوقات به شبان حمله می‌کنند. شبان دارای نقشی مهم و کلیدی در کلیسا است و اگر نتواند با حکمت الهی و استفاده از کتاب مقدس به مخالفان انجیل و یا حتی افراد ستیزه جو در کلیسا پاسخی مناسب دهد، ممکن است عواقب بدی را پیش روی خود و قوم خدا ایجاد نماید. به این جهت است که پولس به تیموتائوس نیز تأکید می‌کند که شبان باید: «...راغب به تعلیم باشد» (اول تیموتائوس ۳:۲). در ترجمه‌ی

هزاره‌ی نو این آیه چنین آمده است که شبان باید قادر به تعلیم باشد. با توجه به کلمه‌ی «didaktitos» که در متن یونانی به کار رفته است، ترجمه‌ی هزاره‌ی نو معنایی نزدیک‌تر به عبارت متن اصلی دارد اما با توجه به معنای دوگانه‌ی این کلمه، ترجمه‌ی قدیمی نیز کاملاً درست است. پس شبان نباید تصور کند که فقط باید دیگران را تعلیم دهد بلکه خود نیز باید در پی کسب تعلیم باشد. به بیانی دیگر باید گفت که کلیسا باید مطیع شبان و شبان نیز مطیع عمل خدا در کلیسا باشد. همچنین شبان و چهار خدمت دیگر نیز باید مطیع یکدیگر باشند. برای به وجود آمدن چنین وضعیتی در کلیسا شبان باید فروتن باشد و پای خود را از حدود خدمتی خویش فراتر نهد. بر این مبنا است که پولس به تیموتائوس می‌نویسد: «و نه جدید الایمان که مبادا غرور کرده، به حکم ابلیس بیفتد» (اول تیموتائوس ۳:۶). با دقت در این آیه متوجه می‌شویم که پولس با نوایمانان مخالف نیست بلکه قصد دارد بگوید که چون این گروه از ایمانداران هنوز به آن پختگی لازم نرسیده‌اند ممکن است دچار غرور شوند. غرور باعث تخریب کار خدا می‌شود. البته در نهایت تأسف باید گفت امروزه در کلیسا افرادی دیده می‌شوند که علی‌رغم سپری کردن سنوات زیادی در ایمان هنوز ناپخته و بی‌تجربه رفتار می‌کنند. اگر شبان آن طور که خواست خداست فروتن نشود، نخواهد توانست در خدمت خود سربلند باشد. در موعظات برادر عزیزمان فیروز در خصوص استانداردهای ایماندار، روح‌القدس به ما نشان داد که فروتنی نخستین گام در جهت رسیدن به فراز کوه مقدس است.

در خاتمه‌ی این بخش توجه شما را به یکی دیگر از ویژگی‌هایی که شبان لزوماً باید دارای آن باشد جلب می‌کنم. در رساله‌ی اول تیموتائوس ۲:۳ می‌خوانیم که شبان باید صاحب نظام باشد، یعنی نظم الهی که سراسر زندگی او را در برگیرد. نظم الهی مانند نظم یک پادگان نظامی نیست بلکه روح‌القدس در حین ایجاد انتظام در زندگی شبان، او را از تبدیل شدن به یک فرد خشک و مذهبی نیز دور نگه می‌دارد.

دعای من این است که خداوند فیض عطا فرماید تا مطالبی را که ذکر شد درک

نمایید. مطمئناً مسائل بسیاری وجود دارد که می‌توان آن‌ها را به این بخش افزود لیکن در این مجال نمی‌گنجد. در فصل بعد به تشریح نقش و وظایف یک شبان در کلیسا خواهیم پرداخت.

## یک توضیح

در زبان یونانی که زبان عهد جدید است، برای رهبری و شبانی کلیسای محلی از سه واژه استفاده شده است. واژه‌ی اول «Presbuteros» به معنای «شیخ» (پیر) می‌باشد. (اول پطرس ۱:۵). لغت دوم «Episkopos» یعنی «اسقف» یا «ناظر» (تیتوس ۱:۷ و...) و لغت سوم «Poimen» به معنای شبان است (افسیان ۱۱:۴ و...) سلسله مراتبی که امروزه در بسیاری از کلیساها برای اسقف و شیخ قائل می‌شوند و بر مبنای آن یک اسقف به رهبری چند شبان گمارده می‌گردد، فاقد هرگونه پایه و اساس کتاب مقدسی است. در اعمال رسولان ۱۷:۲۰ و نیز ۲۸:۲۰ مشاهده می‌شود که این دو کلمه (اسقف و شیخ) به جای یکدیگر به کار رفته‌اند. البته باید این را گفت که واژه‌ی شیخ یا کشیش (Presbuteros) بیشتر بر پختگی روحانی ایمانداران تأکید می‌کند در حالیکه لغت اسقف (Episkopos) وظیفه‌ی نظارت بر کلیسا را مورد اشاره قرار می‌دهد. گاهی ممکن است یک شیخ یا اسقف، به عنوان یک شبان کلیسا را هدایت کند؛ او باید با مشایخ کلیسا هماهنگ باشد. بر طبق آیات موجود در کتاب مقدس ویژگی‌های شبان با اسقف و شیخ یکی است اما در میان حالات ممکن، خدمت شبانی به نحوی از بقیه متمایز و برجسته‌تر می‌باشد.

# فصل دوم

## وظایف یک شبان

## خوراک دادن به گله

«و بعد از غذا خوردن، عیسی به شمعون پطرس گفت: ای شمعون، پسر یونا، آیا مرا بیشتر از اینها محبت می‌نمایی؟ بدو گفت: بلی خداوندا، تو می‌دانی که تو را دوست می‌دارم. بدو گفت: بره‌های مرا خوراک بده. باز در ثانی به او گفت: ای شمعون، پسر یونا، آیا مرا محبت می‌نمایی؟ به او گفت: بلی خداوندا، تو می‌دانی که تو را دوست می‌دارم. بدو گفت: گوسفندان مرا شبانی کن. مرتبه‌ی سوم بدو گفت: ای شمعون، پسر یونا، مرا دوست می‌داری؟ پطرس محزون گشت، زیرا مرتبه‌ی سوم بدو گفت «مرا دوست می‌داری؟» پس به او گفت: خداوندا، تو بر همه چیز واقف هستی. تو می‌دانی که تو را دوست می‌دارم. عیسی بدو گفت: گوسفندان مرا خوراک ده.» (یوحنا ۲۱: ۱۵-۱۷)

خوراک دادن به بره‌های مسیح یکی از مهمترین وظایف شبان است. همان طور که در زندگی جسمانی برای حفظ سلامتی و انرژی به آب و غذا نیاز است، در زندگی روحانی نیز در صورت نرسیدن خوراک لازم به گله، بره‌ها در معرض خطر کمبود انرژی و ابتلا به بیماری‌های روحانی قرار خواهند گرفت. یک شبان هرگز نباید این سخن مسیح را از یاد ببرد که فرمود: انسان زیست می‌کند «...به هر کلمه‌ی خدا» (لوقا ۴: ۴). پس خوراک شخص روحانی هر کلمه‌ی خداست، چون این کلمات است که ایماندار را به پختگی منظور نظر خدا می‌رساند. یکی از مواردی که شبان باید در هنگام مشاهده‌ی تشویش و عدم وجود نشاط روحانی در کلیسا به آن توجه نماید، چگونگی توزیع و نوع خوراکی است که به گله داده می‌شود. بعضی وقت‌ها به طرق مختلف می‌شنویم که دانشمندان در خصوص مصرف برخی مواد غذایی هشدارهایی می‌دهند که به عواقب استفاده از آن ماده‌ی غذایی مربوط می‌شود. این سخن می‌تواند در مورد خوراک

روحانی نیز صادق باشد، به نحوی که ممکن است شبان خوراکی را به گله بدهد که در ظاهر مشکلی ندارد غافل از آن که این خوراک فاقد مواد مغذی و ویتامین‌های روحانی است و تأثیر مثبتی در روند رشد کلیسا نخواهد گذاشت.

شبان باید گله را به مرتع‌های سرسبز هدایت کند و برای رسیدن به این مقصود باید به مسیح توجه نماید. در لوقا ۹ جریان خوراک دادن مسیح به بیش از پنج هزار نفر را می‌خوانیم. در این باب نکات قابل توجهی وجود دارد که نخستین نکته را در آیه ۱۴ می‌بینیم: «زیرا قریب به پنج هزار مرد بودند. پس به شاگردان خود گفت که ایشان را پنجاه پنجاه، دسته دسته، بنشانند». مسیح شاگردان خود را امر فرمود که قبل از توزیع خوراک ابتدا نظمی در میان افراد ایجاد کنند تا همه بتوانند از آن غذا بهرمنند شوند. پس از این ایجاد نظم است که مسیح پنج نان و دو ماهی را برکت می‌دهد و: «... به شاگردان خود داد تا پیش مردم گذارند» (لوقا ۹:۱۶). نتیجه‌ی اطاعت شاگردان و همکاری آنها با مسیح را در آیه‌ی ۱۷ می‌خوانیم: «پس همه خورده سیر شدند و دوازده سبد پر از پاره‌های باقی مانده برداشتند». آری، نه تنها همه‌ی مردم خورده، سیر شدند بلکه برای ادامه‌ی راه شاگردان نیز مقادیری خوراک باقی ماند!

یکی از دلایلی که باعث می‌شود تا شبان نتواند خوراک لازم را به گله برساند این است که اجازه نمی‌دهد تا مسیح او را هدایت کند و نیز خوراک مبارک و تقدیس شده را از دستان مسیح نمی‌گیرد؛ به همین علت خوراکی که به گله می‌دهد مقوی نیست.

در کتاب مقدس، هم از شیر روحانی صحبت می‌شود و هم از گوشت (عبرانیان ۱۲:۵-۱۴ و اول قرن‌تیان ۲:۳). شبان باید بداند که در کلیسا چه کسانی نیازمند شیر روحانی می‌باشند و چه کسانی محتاج گوشت هستند. بعضی از شبانان، نوایمانان را با گوشت تغذیه می‌کنند حال آنکه این خوراک نه تنها موجب رشد آنها نمی‌شود بلکه ممکن است کار به خفگی ایشان نیز بیانجامد! شبان باید بداند قبل از آنکه به طفلی گوشت داده شود، او را با شیر می‌پرورانند که این امر نیز تأکیدی بر حکیم بودن شبان

است. در کتاب دانیال می خوانیم که خواجه سرایان موظف بودند تا افراد منتخب را طی مدت سه سال به نیکویی پرورش دهند و آنها را بی عیب در حضور پادشاه حاضر سازند (دانیال ۱). با توجه به این مطلب آیا شبانان نباید گوسفندانی را که مسیح به دست ایشان سپرده است با تمامی وجود و در پرتو هدایت های آسمانی به خوراک مناسب پرورش دهند تا در حضور آن پادشاه و داماد آسمانی که مشتاق ملاقات عروس بی لک و چروک خود است، خجل و شرمسار نشوند؟

## مماظت از گله

«پس خداوند گفت: ای شمعون، ای شمعون، اینک شیطان خواست شما را چون گندم غربال کند، لیکن من برای تو دعا کردم تا ایمانت تلف نشود؛ و هنگامی که تو بازگشت کنی برادران خود را استوار نما» (لوقا ۲۲: ۳۱-۳۲)

خدمت شبانی اقتضا می‌کند که خادم برای گله‌ی خدا بیدار باشد تا خدا نیز مکاید شیطان را برایش آشکار سازد. تک‌تک جان‌هایی که به شبان سپرده می‌شوند ارزش بسیاری دارند، زیرا مسیح جان خود را برای نجات تمامی آن‌ها گذاشت. آن شبان نیکو، در هنگام دعا به پدر چنین گفت: «مادامی که با ایشان در جهان بودم، من ایشان را به اسم تو نگاه داشتم، و هر کس را که به من داده‌ای، حفظ نمودم...» (یوحنا ۱۷: ۱۲). او از شاگردان خود محافظت می‌کرد و شبان نیز باید با اقتدا به رئیس شبانان، چنین عملی را در پیش بگیرد. اگر فردی بدون دعوت الهی و بار قلبی به انجام این خدمت پردازد نمی‌تواند گله را کامل و همه‌جانبه محافظت نماید. یکی از ویژگی‌های داود که مورد پسند خدا نیز قرار داشت این بود که او حتی جان خود را در راه محافظت و پاسبانی از گله‌ی پدرش به خطر می‌انداخت. کتاب مقدس شهادت می‌دهد که داود برای محافظت از گله‌ی پدر خود - بدون جنگ‌افزار و با دستان خالی - با شیر و خرس مبارزه کرد (اول سموئیل ۱۷: ۳۴-۳۶). به همین دلیل است که خداوند داود را موافق قلب خود دانست و قوم خود را به او سپرد. مطمئناً داود فقط بر اساس احساس وظیفه نبود که برای نجات بره‌ای از گله‌ی پدرش به مبارزه با شیر و خرس پرداخت بلکه او تک‌تک گوسفندان گله را دوست می‌داشت. او می‌توانست به دنبال بره‌ای که شیر و خرس آن را از گله جدا کرده بودند نرود و به پدر خود بگوید: «خطورمه، تو انستم با دست خالی. به جنگ آن

حيوانات قوی و درنده بروم؟ مگر یک بره چه ارزشی دارد؟”

اگر خدمت شبان تنها بر مبنای انجام وظیفه باشد، گله به خطر خواهد افتاد. او برای از دست رفتن هر یک از جان‌ها دلایلی منطقی خواهد آورد و با پاسخ‌هایی این چنینی به آرام کردن وجدان خود خواهد پرداخت. مسیح برای محافظت از پطرس بیدار ماند و دعا نمود تا او در این راه نلغزد. وظیفه‌ی شبان حفاظت از گله در مقابل حملات شیطان و نیروهای ظلمت، تعالیم غلط و غیر کتاب مقدسی و وسوسه‌های دنیا و... است؛ او باید گله را بیشتر از خود دوست بدارد. برای رفع مشکلات تنها نمی‌توان به راه حل‌های منطقی اندیشید بلکه باید با قوت الهی در مسیر هدایت روح القدس حرکت نمود. اگر شبان همان روحیه‌ی داود را داشته باشد، برای محافظت از گله‌ی خدا حتی به جنگ با آن شیر غران نیز خواهد پرداخت. بد نیست شبان این را در ذهن خود حک نماید که خدا روزی حساب تک تک جان‌هایی را که به دست او سپرده است، بازخواست خواهد نمود.

## هدایت گله به سمت مسیح

«و به سوی پیشوا و کامل کننده‌ی ایمان یعنی عیسی نگران باشیم...» (عبرانیان ۱۲:۲)

وظیفه‌ی دیگر شبان، هدایت گله به سمت مسیح است. متأسفانه دیده می‌شود بعضی از شبانان به نحوی رفتار می‌کنند که خود به جای مسیح در مرکز توجه قرار می‌گیرند. این امر چندان هم عجیب نیست، زیرا کسی که برای این خدمت دعوتی الهی نداشته باشد به بیراهه می‌رود. البته شاید عمدی در این کار نباشد اما چون شخصی که شبانی می‌کند در جایگاه خود نیست، ارتکاب چنین خطایی قابل پیش بینی است. این افراد به ناچار از روش‌ها و دستورالعمل‌های انسانی در جهت هدایت گله استفاده می‌کنند و مسلماً نتیجه‌ی این خط‌مشی، توجه به شخص است نه خدا. شبان تنها در نتیجه‌ی اتحاد کامل و شفاف با مسیح می‌تواند به جلو حرکت کرده و هم صدا با پولس بگوید: «ای برادران، با هم به من اقتدا نمایید و ملاحظه کنید آنانی را که بحسب نمونه‌ای که در ما دارید، رفتار می‌کنند» (فیلیپیان ۳:۱۷). اگر شبان با مسیح هماهنگ باشد می‌تواند گله را به سمت او هدایت کند. او هرگز نباید فراموش کند که فقط عیسی مرکز و کامل کننده‌ی ایمان است؛ در اتحاد با اوست که نور الهی ظاهر می‌شود و ایمانداران قوت خدا را تجربه خواهند کرد. در کلیسا همه چیز باید حول محور عیسی مسیح در حرکت باشد و شبان نیز از این قاعده مستثنی نیست. ایجاد هماهنگی و اتحاد بین گله و مسیح هنر شبان است و اگر او برای انجام این خدمت بزرگ، مسح الهی را نداشته باشد نخواهد توانست خدمت خود را به کمال برساند. آری، این گله توسط مسیح به شبان سپرده شده و خود خداوند صاحب آن است؛ پس شبان باید تمام تلاش خود را در جهت برقراری اتصال دائمی میان گله و مسیح به کار بندد، زیرا در غیر این صورت شاهد سقوط گوسفندان به دره‌ها خواهد بود.

## تقویت ضعیفان در ایمان

«دستهای سست را قوی سازید و زانوهای لرزنده را محکم گردانید. به دلهای خائف بگویید: قوی شوید و مترسید...» (اشعیا ۳۵:۳-۴)

کتاب مقدس به ما می‌گوید: «لهمذا ایمان از شنیدن است و شنیدن از کلام خدا» (رومیان ۱۰:۱۷). در صورتی که شبانان بخوابند مانند روان شناسان عمل کنند قادر به تقویت ایمان ایمانداران نخواهند بود. با استفاده از کلام، قدرت و وعده‌های خداست که می‌توان افراد ضعیف در ایمان را تقویت کرد. رفتار مسیح نشان می‌دهد که باید وقت بیشتری را صرف ضعف نمود زیرا افراد سالم نیازی به طبیب ندارند. شبان برای برقراری عدالت در میان گله ناگزیر است وقت بیشتری را به افراد ضعیف اختصاص دهد و آن‌ها را با دیگر اعضا هماهنگ سازد. افراد ضعیف باید در معرض تابش نور الهی قرار داده شوند تا از میان ترس‌ها و ضعف‌ها عبور کنند. مسیح به عنوان نمونه‌ی کامل، شاگردان خود را طوری به جلو هدایت کرد تا تعمید روح القدس را بیابند؛ او از فردی خائف چون پطرس که تنها در چند لحظه سه مرتبه مسیح را انکار نمود، ایمانداری دلیر ساخت که نه فقط کلام را با شجاعتی آسمانی اعلام می‌نمود بلکه جان خود را نیز در این راه نهاد (یوحنا ۱۸:۲۱-۱۹). مسیح افراد دائم الشک و ترسو را به ایمانداری غیور و خدا محور تبدیل نمود. گرچه او بارها شاگردان خود را با عبارت «...ای کم ایمانان...» (متی ۸:۲۶ و...) مخاطب ساخت لیکن از پای ننشست و تمام وقت خود را صرف نمود و ایشان را به افرادی تبدیل کرد که هر یک به نوبه‌ی خود باعث تقویت ایمان بسیاری گردیدند تا آنجا که کلام خدا شهادت می‌دهد: «و بر بنیاد رسولان و انبیا بنا شده‌اید که خود عیسی مسیح سنگ زاویه است» (افسیان ۲:۲۰). این آیه قدرت شبانی مسیح را

در بنا و تقویت ایمان شاگردان بر ما عیان می‌سازد. عمل او در شاگردان موجب شد که افرادی اُمی و خائف تبدیل به بنیان ایمان کلیسا گردند. مسیح برای ایجاد هماهنگی و تقویت گله حتی خود را بر تومایی ظاهر ساخت که می‌گفت: «...تا در دو دستش جای میخها را نینم و انگشت خود را در جای میخها نگذارم و دست خود را بر پهلویش نهم، ایمان نخواهم آورد» (یوحنا ۲۰:۲۵) و این عمل مسیح بود که از تومای شکاک و کم‌ایمان، ایمانداری ساخت که به عیسی چنین اعتراف کرد: «...ای خداوند من و ای خدای من» (یوحنا ۲۰:۲۸).

امروز نیز شبانان می‌توانند با دعاهایی که به جهت گله به حضور خدا بلند می‌کنند و نیز با هدایت‌های خود، افراد ضعیف در ایمان را تقویت کنند. فراموش نکنید که اگر خدا شما را به این خدمت فراخوانده است، با شما خواهد ایستاد تا در خدمت خود موفق و سربلند باشید و گله را به سلامتی به صاحب آن بازگردانید.

## شفای بیماران روحانی و جسمانی

«و هر گاه کسی از شما بیمار باشد، کشیشان کلیسا را طلب کند تا برایش دعا نمایند و او را به نام خداوند به روغن تدهین کنند. و دعای ایمان، مریض را شفا خواهد بخشید و خداوند او را خواهد برخیزاند، و اگر گناه کرده باشد، از او آمرزیده خواهد شد» (یعقوب ۱۴:۵-۱۵)

یکی دیگر از وظایف شبان دعا برای بیماران است و از این جهت بر اوست تا همواره از نظر روحانی در آمادگی کامل قرار داشته باشد. عبارت «استفاده از روغن» توسط شبانان برای بیماران در واقع در مورد ایمانداران بیمار صدق می‌کند. حتماً می‌دانید روغن، نماد روح القدس است که وعده‌ی پری آن تنها به ایمانداران داده شده است و بدین خاطر است که به هنگام دعا جهت شفای بی‌ایمانان نمی‌توان از این روغن استفاده کرد. در مأموریت بزرگ ایمانداران که در مرقس ۱۶ به آن اشاره شده است در مورد شفای بی‌ایمانان (مردم) تنها از دست گذاشتن بر آنها صحبت می‌شود، چون اصولاً خدمت یک مبشر به بی‌ایمانان مربوط می‌شود حال آن که در رساله‌ی یعقوب از تدهین ایمانداران به روغن (روح القدس) سخن به میان آمده است. کتاب مقدس به ما می‌گوید که برای تأیید هر مسئله‌ای به شهادت دو یا سه شاهد نیاز است؛ ما نه تنها در رساله‌ی یعقوب تدهین ایمانداران بیمار را می‌بینیم بلکه مرقس ۱۳:۶ نیز بر صحت این امر شهادت می‌دهد: «و بسیار دیوها را بیرون کردند و مریضان کثیر را روغن مالیده، شفا دادند». آری، شاگردان فقط در یهودیه ایمانداران یهودی و مؤمنین شریعت را به روغن تدهین کردند و نه تنها از راه امت‌ها نرفتند بلکه حتی به بلدی از سامریان نیز داخل نشدند (متی ۱۰:۵). در آیه‌ی فوق صحبت از قوم جسمانی خداست که مطابق یوئیل

۲۸:۲-۲۹ غلامان و کنیزان می‌باشند و وعده پری روح به آنها نیز داده شده است، اما نه روح پسر خواندگی بلکه روح خدمت و درک اراده‌ی خدا. شاگردان با اقتداری که مسیح به ایشان بخشیده بود دیوها را اخراج و در هنگام دعا برای شفای بیماران از روغن استفاده کردند. یعقوب به صورت آشکار کشیشان و مشایخ را به دعا برای بیماران دعوت می‌کند. با کمال تأسف می‌توان گفت که امروزه این مسئله در کلیساهای بسیاری به فراموشی سپرده شده است لیکن همان طور که بارها اشاره کرده‌ایم، در این روزهای واپسین باید کاملاً به ایمان پدران (رسولان) بازگردیم.

امروزه افراد بسیاری از نظر روحانی بیمار هستند. به قول یک کشیش: "امروزه مردم به شفای درون محتاج می‌باشند". باید گفت هستند ایماندارانی که هنوز از قرص‌های آرام بخش استفاده می‌کنند و زخم‌های زیادی در درونشان وجود دارد که همچون جذام آنها را از بین می‌برد و از نظر روحانی روز به روز ضعیف‌تر می‌شوند و حتی در مواردی نور ایمان در زندگی‌شان خاموش می‌گردد. این وظیفه‌ی شبان است که با نزدیک شدن به این دست افراد، آنها را در دعا و ایمان همراهی کند تا خدا نیز از این طریق نسبت به درمان بیماری آنها اقدام نماید.

اگر چه شائول فردی مسح شده بود اما چون حدود خود را رعایت نکرد و نیز با حسادت به داود در مورد او به بدی اندیشید، لذا روح‌های ناپاک به آزار او پرداختند و در نهایت او را به سمت یک مشکل روحی - روانی سوق دادند (اول سموئیل باب‌های ۱۵ الی ۱۸). دلیل رفتار دوگانه‌ی شائول همین بود. بنابه شهادت کلام، شائول از سوئی تحت تأثیر روح‌های ناپاک قرار داشت و از سوئی دیگر نبوت می‌کرد! امروزه بعضی از ایمانداران به همین دوگانگی دچار هستند؛ بدین معنا که ممکن است از قبل و یا حتی بعد از ایمان کینه، حسادت و یا... را با خود به یدک کشیده باشند و چون هنوز تمام وجودشان شفا نیافته لذا به دوگانگی رفتاری دچار می‌گردند. گاهی اوقات روح القدس عطایا را از طریق آنها جاری می‌سازد و گاهی نیز متأثر از حملات شدید شیطان رفتار

می‌کنند. البته محیط پیرامون نیز در وقوع حملات شیطان بی اثر نیست. این دوگانگی شخصیت را در بلعام نیز می‌توان دید. پطرس رسول در خصوص او می‌نویسد: «...دیوانگی نبی را تویخ نمود» (دوم پطرس ۲:۱۶). بر طبق شواهد موجود در کتاب مقدس، بلعام هم نبوت می‌کرد و هم فالگیری! (اعداد ۷:۲۲ و ۱:۲۴). پطرس در رساله‌ی خود اشاره می‌کند که دلیل بروز دوگانگی در بلعام طمعی بود که سراسر وجودش را پر ساخته بود. این فقط یکی از انواع بیماری‌های روحی است و چنانچه شبان فاقد مسح الهی باشد، در تشخیص و درمان بیماری افراد دچار اشتباه شده و این امر منجر به ایجاد حس بی‌اعتمادی اعضا نسبت به او می‌گردد.

مسح الهی، شبان را به سمت درک صحیح مسائل سوق خواهد داد. شبانی که مسح الهی را دریافت کرده و از جانب خدا به این خدمت ممتاز شده است دیگر نباید ترسی به دل راه دهد، بلکه باید خود را به دعا و کلام بسپارد تا امانتی که توسط خدا در وجودش قرار داده شده است رشد نموده، ثمر آورد. اگر ایمانداران نسبت به شبان بی‌اعتماد شوند دیگر نمی‌توانند مشکلات خود را با او در میان بگذارند. این مسئله می‌تواند منجر به سقوط جماعت شود، زیرا اگر ایمانداران با شبان خود مشورت نکنند یقیناً به نزد افرادی خواهند رفت که این مسح را ندارند و ممکن است مشورت‌هایی دریافت کنند که بیماری آنها را تشدید نماید و وای به روزی که این بیماری‌ها مسری باشد! تنها یک شبان مسح شده است که می‌تواند با ظرافتی خاص و الهی، در صورت لزوم بیماران مسری را قرنطینه کند تا ضمن جلوگیری از گسترش بیماری، به مداوای آنها پردازد. اما آنچه که بیش از پیش در این قسمت خودنمایی می‌کند چیزی جز وجود حکمت آسمانی در نهاد شبان نیست، زیرا هر تصمیم نابه‌جایی عواقب ناخوشایندی را به همراه خواهد داشت در حالیکه یک تصمیم صحیح باعث درمان بیماری و شفای بیمار خواهد شد.

## شکسته بندی

«...شکسته‌ها را شکسته بندی نموده، بیماران را قوت خواهد داد...» (حزقیال ۳۴:۱۶)

در عالم جسمانی وقتی عضوی از اعضای بدن فردی می‌شکند، او توانایی انجام بسیاری از کارها را تا زمان بهبودی کامل از دست خواهد داد. به عنوان مثال کسی که پایش شکسته باشد موقتاً قادر به راه رفتن نخواهد بود و... در عالم روحانی نیز چنین امری امکان‌پذیر است؛ بدین ترتیب که بعضی ایمانداران در اثر حملات شیطان و یا وارد آمدن ضربه‌ای شدید بر زندگی روحانی‌شان دچار شکستگی می‌شوند و این شکستگی باعث می‌گردد که آن‌ها از همراهی گله باز مانده، عقب افتند. کتاب مقدس می‌گوید ما اعضای بدن مسیح هستیم (اول قرنتیان ۱۲:۲۷ و...) و گاهی پیش می‌آید که عضوی به علت گناه و یا ناهماهنگی با خداوند دچار شکستگی می‌شود. هر چند این شکستگی منجر به دوری ایماندار از خدا می‌گردد لیکن اتصال روحانی موجود به طور کامل از بین نمی‌رود. اندک تعلل شبان در چنین وضعیتی باعث می‌شود که عضو شکسته به دلیل حالت نامناسب خود به سمت فساد پیش رود. مطابق یوحنا ۱۵ این عضو فاسد باید بریده شود زیرا در غیر این صورت سایر اعضا را نیز به سمت فساد سوق خواهد داد. شاخه‌ای که از درخت جدا می‌گردد تا مدتی حیات را در خود دارد و می‌توان پس از معالجه، دوباره آن را به درخت پیوند زد اما کوتاهی و غفلت شبان در درمان و پیوند مجدد و نیز از دست رفتن زمان، ته مانده‌ی حیات آن شاخه را به هدر خواهد داد. خداوند حتی از مرگ انسان شرور نیز خوشحال نمی‌شود چه رسد به اینکه فرزندان خود را در وادی موت ببیند؛ به همین دلیل او طالب انجام عمل شکسته‌بندی در خصوص شکستگان روحانی است و پر واضح است که این وظیفه به عهده شبان

می‌باشد.

در حالتی دیگر از شکستگی روحانی مشاهده می‌شود که ایمان‌داری در حالی که در مشارکت‌ها، جلسات و... حضور دارد اما به دلیل وجود مشکلات و فشارها دچار شکستگی شده و نمی‌تواند حضور و خدمتی مؤثر در کلیسا داشته باشد. او همانند ظرف شکسته‌ای است که گرچه فی‌نفسه ظرف است اما قابل استفاده نیست. شبان موظف به ایجاد شرایطی است تا همه‌ی افرادی که بنابه دلایل مختلف از حضور و فعالیت در کلیسا دور شده‌اند مجدداً به این مشارکت آسمانی پیوند خورده و این ظروف شکسته شده به اصطلاح بند زده شوند. در رساله‌ی یعقوب ۵:۱۹-۲۰ در این خصوص می‌خوانیم: «ای برادران من، اگر کسی از شما از راستی منحرف شود و شخصی او را بازگرداند، بداند هر که گناهکار را از ضلالت راه او برگرداند، جانی را از موت رها کرده و گناهان بسیار را پوشانیده است». چنین افرادی باید مورد محبت الهی قرار گیرند زیرا کلام خدا می‌گوید که محبت مثل موت زور آور است (غزل غزل‌ها ۸:۶). البته این سخن را نباید چنین تلقی کرد که ایمانداران خطاکاری که مرتکب گناه شده‌اند نباید توبیخ شوند بلکه مقصود این است که شیوه‌های تنبیهی شبان نباید مبتنی بر روش‌های دنیوی باشد. او تنها مجاز به اعمال تنبیه در چهارچوب کتاب مقدس است و نه بیشتر، زیرا کلام خدا به ما می‌آموزد که اگر ایمان‌داری به تبع از ارتکاب گناهی، از جانب خداوند مورد توبیخ قرار می‌گیرد، به دلیل خشم خدا نیست بلکه به خاطر محبت عظیم او نسبت به انسان‌هاست (عبرانیان ۱۲:۵-۱۱)؛ هدف خدا نابودی نیست بلکه اصلاح است. اصل محبت باید پایه و اساس رفتاری ایمانداران باشد، حتی زمانی که با هدایت الهی تصمیم به توبیخ خطاکاری گرفته می‌شود. شبان نباید صرف انجام وظیفه شبانی کند بلکه باید از بار قلبی و محبت الهی سرشار باشد تا بتواند خدمتی شایسته از خود ارائه دهد.

از منظری دیگر نیز می‌توان به این موضوع نگریست. به بیانی دیگر باید گفت که

استخوان‌های بدن در اصل ستون‌ها و ارکان جسم هر موجود زنده‌ای می‌باشد. در زندگی روحانی نیز این مطلب صادق است؛ بدین ترتیب که تعالیم انبیا و رسولان همچون مبنا و رکن ایمان کتاب مقدسی می‌باشند اما نفوذ تعالیم غلط و ناصحیح با آسیب رساندن به این ستون‌ها منجر به شکسته شدن آن‌ها می‌گردد. شبان بر اساس وظیفه‌ی شکسته‌بندی خود در این قسمت می‌تواند با اصلاح تعالیم و برداشت‌های نادرست از کلام، این ستون‌های شکسته شده در زندگی ایمانداران را دوباره ترمیم نماید. البته خادمینی که عطای تعلیم را از خداوند یافته‌اند می‌توانند در چنین مواردی به یاری شبان بشتابند و با هماهنگی او نسبت به رفع معضل اقدام نمایند.

شبان باید با چشمان خدا به گله نگاه کند و قلبش نیز باید قلبی خدایی باشد. تنها در این صورت است که با مشاهده‌ی بره‌ای در سخت‌ترین و خطرناک‌ترین شرایط، جان خود را برای نجات او به خطر خواهد انداخت و به راستی همین است روش شبانی آن شبان نیکو؛ او نود و نه گوسفند سالم را رها می‌کند و به دنبال گوسفند گم شده‌ی خود می‌رود!

یک شبان کتاب مقدسی حتی در تاریک‌ترین لحظات زندگی اعضای گله در کنار آن‌ها خواهد بود و ضمن معالجه‌ی شکستگی اعضا، از ایشان محافظت خواهد کرد؛ حتی اگر دیگر نتواند آن گوسفند گم شده را بیابد باز هم به دعا برای او ادامه خواهد داد! شبان نباید فراموش کند که در یک جنگ روحانی به سر می‌برد و در هر رزمی بروز زخم و شکستگی عضو کاملاً محتمل است. باید بخاطر داشت که با از بین رفتن یک جان شکسته شده، دشمن تقویت می‌شود. همچنین یک ایماندار لغزش خورده از کسی که هرگز تجربه‌ای از ایمان مسیحی نداشته است به مراتب خطرناک‌تر می‌باشد، چون چنین فردی به اسارت روح‌های ناپاک بیشتری در خواهد آمد (لوقا ۱۱: ۲۴-۲۶). پس شبان باید با بینش، قوت و فیض الهی قلب‌ها، جان‌ها و اعضای شکسته را نکسته‌بندی نماید و چنین کار بزرگی تنها با مسح الهی میسر است، آمین.

## پس آوردن رانده شدگان

«بنابراین چونکه ما نیز چنین ابر شاهدان را گرداگرد خود داریم، هر بار گران و گناهی را که ما را سخت می‌پیچد، دور بکنیم و با صبر در آن میدان که پیش روی ما مقرر شده است بدویم» (عبرانیان ۱:۱۲)

همه‌ی ایمانداران باید به عنوان کاهنان امروز و پادشاهان آینده در میدان و مرکز کار خدا قرار داشته باشند. به قول برادری: "در کلیسا سیاهی لشکر وجود ندارد!" در بعضی کلیساها افرادی دیده می‌شوند که همواره پای ثابت جلسات هستند اما در عمل نقشی بیش از یک سیاهی لشکر ندارند و تنها صندلی‌های کلیسا را پر می‌کنند. البته این افراد به ظاهر در میان گله حضور دارند اما واقعیت این است که عملاً به حاشیه رانده شده و نقشی در پیشرفت کار خدا ندارند. یک شبان - یا به قول کتاب مقدس «اسقف» که دارای نقش نظارتی در کلیسا است - در این شرایط باید این سیاهی لشکرها را تشخیص داده و آن‌ها را مجدداً وارد میدان مسابقه نماید. تکاتک ایمانداران برای رسیدن به قامت پری مسیح دعوت شده‌اند (افسیان ۴:۱۳) و وظیفه‌ی شبان است که به حاشیه رانده شدگان و افرادی که از نظر روحانی از میدان مسابقه بیرون رفته‌اند را دوباره وارد گود نماید. این حاشیه نشینی‌ها ممکن است به دلایل گوناگونی نظیر سرخوردگی یا وجود ضعف در زندگی ایمانداران واقع شود، اما این هنر شبان است که با کمک کردن به چنین اعضای باعث همراه شدن دوباره‌ی آن‌ها با گله می‌گردد، زیرا به خوبی می‌دانیم که خدا حاشیه نشینان نمی‌خواهد بلکه حاضران در میدان.

در قوم اسرائیل کاتبان و فریسیان با قائل شدن تفاوت‌هایی بین خود و دیگران باعث ایجاد نوعی طبقه بندی اجتماعی شده بودند که این امر موجب ایجاد حس

سرخوردگی در دیگر طبقات جامعه و به حاشیه رانده شدن آنها می‌گشت. هدف از بیان چنین مطلبی این است که در کلیسای مسیح نباید بین خادمان خدا و سایر ایمانداران شکاف‌هایی از این دست بوجود آید. البته منظور این نیست که خادمان احترام جایگاه خدمتی خود را نگاه ندارند بلکه باید طوری رفتار کنند که در میان جمع این حس ایجاد نشود که شبان یا خادم خود را بالاتر از دیگران می‌پندارد. برادری می‌گفت: "کسی که بالاست، خود را با دیگران هم سطح کند و کسی که پایین است، خود را بالا بکشد" و این امر نهایتاً منجر به ایجاد یک تعادل روحانی در میان گله خواهد شد. معمولاً برخی از دسته بندی‌ها موجبات به حاشیه راندن عده‌ای از ایمانداران را فراهم می‌آورد اما شبان باید این را بداند که تکاتک جان‌هایی که به او سپرده شده‌اند، کهنات ملوکانه می‌باشند (اول پطرس ۲:۹)؛ به این خاطر است که عنوان شد یکی از وظایف شبان بازگرداندن رانده شدگان به میدان است. خداوند عطا فرماید تا آنچه که در این بخش بیان شد به درستی درک گردد، آمین.

## طلبیدن گم شدگان

«... از راه امت‌ها مروید و در بلدی از سامریان داخل شوید، بلکه نزد گوسفندان گم

شده اسرائیل بروید» (متی ۱۰:۵-۶)

اگر چه تجلی‌گاه خدمت شبانی بر خلاف خدمت مبشری بیشتر در میان قوم خداست نه خارج از کلیسا، اما در خدمت آن شبان اعظم می‌بینیم که او به دنبال گوسفندان گم شده نیز می‌رفت. افرادی نظیر متی، زگی و یا مریم مجدلیه کسانی بودند که به خاطر ارتکاب گناهان بسیار، موقعیت شهروندی خود را در میان قوم اسرائیل از دست داده بودند و به عنوان افرادی نجس به آن‌ها نگریسته می‌شد. مسیح در طول خدمت خود حتی این دسته از مردم را نیز فراموش نکرد و با نجات آن‌ها عملاً آب رفته را به جوی بازگرداند و جایگاهی به مراتب بالاتر از گذشته به ایشان بخشید!

شبانی که مسیح را سرلوحه‌ی خدمت خود قرار می‌دهد نباید مسیحیان اسمی را از یاد ببرد، کسانی که هر چند مسیحی زاده‌اند اما در مسیح زیست نمی‌کنند. چنین افرادی از این نظر گم شده‌اند که صرفاً نام خداوند را به یدک می‌کشند در حالیکه تولد تازه را تجربه نکرده‌اند. شاید این گروه از مسیحیان حتی عیسی را دوست داشته باشند لیکن به دلیل اسارت‌های مختلف و تعالیم نادرستی که دریافت کرده‌اند، در بند به سر می‌برند. این اسارت‌ها می‌تواند به علت تأثیر روح‌های ناپاک باشد (مثل اسارت مریم مجدلیه) و یا مانند متی و زکی به دلیل آمیختن با بیگانگان (غیر مسیحیان) ایجاد شود به نحوی که با این کار دستورات خدا را زیر پا نهاده‌اند. شبان باید به این گروه نیز فکر کنند و آن‌ها را از یاد نبرد. دلیل سفرهای شهر به شهر مسیح این بود که او به دنبال گوسفندان گم شده‌ی اسرائیل می‌گشت و یک شبان نیز در حوزه‌ی خدمتی خود نباید از این امر غافل

شود.

«گم شده» کسی است که وجود دارد اما شناخته شده نیست. وجود چنین افرادی می‌تواند مانعی بر سر راه حرکت کلیسا در دنیا باشد زیرا هویت، رفتار و شناسنامه‌ی مسیحی آن‌ها شهادت مناسبی از ایمان مسیحی نیست و از این جهت حتی می‌توانند منجر به انسداد مسیر رشد کلیسا در یک منطقه شوند. از این رو است که شبان باید این افراد را به یاد داشته باشد و فراموش نکند که در مقابل تمامی قوم خدا مسئول است، حتی گوسفندان گم شده! در این قسمت شایسته است که شبان با مبشرین هماهنگ باشد تا خادمین هر دو خدمت بتوانند ثمر بهتری در خدمت خود به بار آورند. یک شبان کتاب مقدسی حتماً می‌داند که شبانان کاذبی نیز وجود دارند که با خوراندن خوراک‌های کاذب و مسموم به گوسفندان، ایشان را به اسارت خود در آورده‌اند و به همین دلیل بر شبان است که به آن‌ها نیز فکر کند، زیرا خداوند ما عیسی مسیح می‌فرماید: «و مرا گوسفندان دیگر هست که از این آغل نیستند. باید آنها را نیز بیاورم و آواز مرا خواهند شنید و یک گله و یک شبان خواهند شد» (یوحنا ۱۰:۱۶).

## جمع کردن گله

«ملتس اینکه یهوه خدای ارواح تمامی بشر، کسی را بر این جماعت بگمارد که پیش روی ایشان بیرون رود، و پیش روی ایشان داخل شود، و ایشان را بیرون برد و ایشان را در آورد، تا جماعت خداوند مثل گوسفندان بی شبان نباشند» (اعداد ۱۶:۲۷-۱۷)

یکی از مهمترین وظایف شبان، جمع کردن گله است. او باید گله را جمع کند و اتحادی کامل بین مسیح و گله ایجاد نماید. شبان باید گله را به دور مسیح جمع کند نه به دور خود.

در رساله‌ی عبرانیان ۲۵:۱۰ می‌خوانیم: «و از با هم آمدن در جماعت غافل نشویم چنانکه بعضی را عادت است...». کلیسا بدن خداوند ما عیسی مسیح است و هنگامی که تمامی اعضا در کنار یکدیگر جمع شوند قدرت الهی و عطایای گوناگون ظاهر می‌گردد؛ به این دلیل است که در مباحث پیشین دیدیم که همه‌ی اعضا باید در میدان حضور داشته باشند. اگر اعضا فعال و پر از روح باشند، وقتی به یکدل در کلیسا حاضر شوند می‌توانند قدرت عظیم روح القدس را تجربه کنند. هنگامی که کلیسا تنها از طریق یک خدمت هدایت گردد کاستی‌های زیادی ایجاد خواهد شد و این وضعیت، فضایی یک نواخت و آزار دهنده را در پی خواهد داشت. وظیفه‌ی شبان ایجاب می‌نماید که با پیگیری‌های مستمر، از وضعیت روحانی اعضا با خبر شده و دلایل عدم حضور برخی ایمانداران در جلسات را کشف و بر طرف نماید. شبان باید فردی پیگیر و مسئولیت‌پذیر باشد. او باید اتحاد را در میان اعضا و نیز بین کلیسا و مسیح ایجاد کند و روشن است که این جمع کردن نباید صرفاً جنبه‌ی فیزیکی داشته باشد بلکه با فیض و قدرت الهی، قلب‌ها را حول محور مسیح واحد سازد.

اهمیت خدمت شبانی ناشی از قرار گرفتن مسئولیت مستقیم گله به عهده‌ی شبان است. اگر شبانی در خدمت خود پیگیر امور گله نباشد باعث پراکنده شدن اعضا خواهد شد و این امر در تضاد با اراده‌ی خداست. در حزقیال ۱۰:۳۴ آمده است: «خداوند یهوه چنین می‌فرماید: اینک من به ضد شبانان هستم. و گوسفندان خود را از دست ایشان خواهم طلبید. و ایشان را از چرانیدن گله معزول خواهم ساخت تا شبانان خویشان را دیگر نچرانند. و گوسفندان خود را از دهان ایشان خواهم رها کنید تا خوراک ایشان نباشند». اگر شبانی وظیفه‌ی خود را به درستی انجام ندهد، خدا بدون هیچ تعارفی او را از این خدمت معزول خواهد ساخت. خداوند در حزقیال ۱۲:۳۴-۱۳ در این باره می‌فرماید: «چنانکه شبان حینی که در میان گوسفندان پراکنده‌ی خود می‌باشد، گله‌ی خویش را تفقد می‌نماید، همچنان من گوسفندان خویش را تفقد نموده، ایشان را از هر جایی که در روز ابرها و تاریکی غلیظ پراکنده شده بودند خواهم رها کنید. و ایشان را از میان قوم‌ها بیرون آورده، از کشورها جمع خواهم نمود. و به زمین خودشان درآورده، بر کوههای اسرائیل و در وادیها و جمیع معمورات زمین ایشان را خواهم چرانید».

هدف خدا جمع آوری گله‌اش است. باز هم تأکید می‌کنم که اگر شبان با قلب و دید خدا حرکت نکند نمی‌تواند خدمت مفید و مؤثری داشته باشد.

## سخن آخر

دعای من این است که خدا از طریق این شرح با شبانان حال و آینده‌ی کلیسای خود صحبت نماید. برخی از شبانان بار خدمتی دارند اما نمی‌دانند که چطور می‌توانند خدمتی مفید ارائه دهند تا در این روند به هوا مشت نزده باشند. مطمئناً این شرح نمی‌تواند پاسخگوی تمام نیازهای موجود در خدمت شبانی باشد لیکن در مقام چراغی کوچک، می‌تواند قسمتی از راه را برای خادمان خدا در این خدمت روشن سازد و صد البته خداوند نیز قادر است تا از طریق کلام خود و با هدایت روح القدس این روشنایی را به کمال رساند، زیرا خدمت شبانی باید همچون چهار خدمت دیگر کلیسایی با پیغام زمان آخر هماهنگ باشد.

خداوند طی پیغامی از طریق حزقیال ۱:۳۴-۶ این مسائل را بر خادم خود آشکار نمود و مرا بر آن داشت تا به نگارش این شرح بپردازم. در حزقیال ۱:۳۴-۶ شبانان اسرائیل توسط خداوند توبیخ می‌شوند و با بر شمرده شدن وظایفشان، در خصوص کوتاهی‌ها و غفلت‌هایی که انجام داده‌اند مورد بازخواست قرار می‌گیرند و از آن‌ها سؤال می‌شود که چرا گله را خوراک نداده‌اند؟ چرا از گله محافظت ننموده‌اند؟ چرا ضعیفان را تقویت نکرده‌اند؟ و... پس یک شبان خوب باید تمام این وظایف را به نحو شایسته انجام دهد تا خدمتش مورد تأیید رئیس شبانان واقع گردد.

اگر خدا اجازه دهد قصد دارم تا در آینده از طریق تألیف و یا ترجمه‌ی مطالب گوناگون، باز هم در خصوص این خدمت بسیار مهم و کلیدی مسائلی را با شما عزیزان در میان بگذارم. دعای من این است که خداوند فیض عطا فرماید تا این روند در مورد چهار خدمت دیگر کلیسایی نیز طی شود، اما در این بین به طور خاص برای تمامی شبانان کلیسا دعا می‌کنم تا خداوند با مسح و قوت خود، ایشان را در این مسیر به پیش

برد، آمین.

«و خداوند یهوه می گوید: شما ای گله‌ی من و ای گوسفندان مرتع من، انسان هستید و من خدای شما می باشم» (حزقیال ۳۴:۳۱).

«و اما آنکه از در داخل شود، شبان گوسفندان است» (یوحنا ۱۰:۲).

پایان